

---

جنبش‌های زنان در تاریخ معاصر ایران

---

سیمین فصیحی

عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشگاه الزهرا

---

تاریخ ایران همواره صحنه کشمکش‌ها و تقلاهای زنان برای داشتن حق زندگی و آزادی و برابری بوده است. این مبارزات به یمن تلاش‌های خود آن‌ها و دستاوردهای ارزنده‌شان در کشف «دیالکتیک تاریخ» مربوط به خویش، یعنی آگاهی عمیق به تناقض بین واقعیت گذشته زنان و حافظه ثبت شده در تاریخ، روشن شده است. تاریخ زنان نشان داده که زنان به‌رغم موقعیت اسارت‌بار خویش، هر بار تلاش کرده‌اند تا حق زندگی و آزادی خود را مصرانه پیگیری کنند. رد پای زنان به‌مثابه سوژه‌های آگاه و کنش‌گر در تاریخ مدرن ایران برای زیستی باکرامت چنان پررنگ و چندسویه است که به سختی حتی بتوان صورت‌بندی کرد. گاه *معايب الرجال* می‌نویسد تا نشان دهد *تأديب النساء* به دور از خوی انسانی است، و گاه *مکتوبات مشروطه* می‌نویسد و صدای اعتراض و دادخواهی‌اش را تا آسمان بلند می‌کند که «مگر ما از نوع بشر نیستیم، مگر ما در حقوق نوعیه با شما شریک نیستیم؟» و به طعنه‌ای تلخ و در عین حال گزنده می‌افزاید: «آدمیت نه به نطق و نه به ریش و نه به جان، طوطی هم نطق، بز هم ریش و سگ هم جان دارد.» گاه شکایت می‌کند از اینکه فرهنگ‌سازی تنها کار مردان تلقی

شده، و اعمال زنان برآمده از طبیعتی بی‌اهمیت برای تاریخ و فرهنگ، و آه می‌کشد که «تا خواستند بعضی‌ها حرف بزنند، بزرگ‌ترها گفتند، آخر شما زن هستید و شما را چه به این کارها؛ باید شما فکر خانه‌داری باشید. حتی امر را بر خود هم مشتبه کردند و همچو تصور می‌کنند که ما را آفریده‌اند از برای کنیزی مردان. ما از برای هیچ‌کار خوب نیستیم، مگر از برای خانه‌داری! آه از این غفلت!».

گاه حقّ کار خود را مطالبه می‌کند و زن بیکار را به «اثاث البیتی» تشبیه می‌نماید که مرد در او به دیدهٔ تحقیر می‌نگرد و «همین‌که زن از این راه شرمنده شد و خود را کوچک دید، دیگر نمی‌تواند سایر حقوق خود را محافظت نماید».

گاه نیز حقّ خصوصی خود را در حقیّ عمومی‌تر و همه‌شمول‌تر پیگیری می‌کند و فراخوان می‌دهد که «ای خواهران نجیب ... ایران از دست رفت، منتظر همت است، غیرت شما کجاست! همت شما کو؟ ... وطن در بحران است و منتظر درمان. بر هریک از شما فرض است که در راه وطن بکوشید تا جامهٔ زنان بی‌همت نپوشید».

بدین ترتیب به یمن زن بودن و انسان بودنش، بدیهی‌ترین حقوق خود را در زندگی طلب می‌کند: حقّ انتخاب همسر، حق دوست داشتن، حق تحصیل، حق کار، حق بهداشت و حق سیاست‌ورزی. سوگمندان هر بار که با تقلای جان فرسایکی را به دست می‌آورد، آن دیگری به گروگان می‌رود؛ حق فرهنگی‌اش به حق کار می‌کشد، اما در چارچوب شغل خانه‌داری و مهندسی خانه‌داری محصور می‌ماند. از بهداشت برخوردار می‌شود، اما حقّ سیاست‌ورزی‌اش از او سلب می‌گردد. آن‌گاه که صاحب حق رأی می‌شود، در چنبرهٔ قدرتمند سیاست حکومت، گرفتار می‌آید و آن‌گاه که وعدهٔ آزادی و زندگی و رفاه مدنی به وی داده می‌شود، به مثابهٔ ابزار تبلیغاتی حکومت‌ها مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرد.

با تأمل در مطالباتی از این دست و کنار هم قراردادن آن‌ها در روندی تاریخی، به‌وضوح، نقطهٔ مشترکی در این دادخواهی‌ها می‌توان دید که همانا حق به رسمیت‌شناسی است. زن در این روند پرفراز و نشیب بنابه تجربهٔ زیستهٔ تاریخی‌اش دریافته که اگر بناست زندگی خود را آن‌گونه که می‌خواهد سامان دهد، باید مسیر آزادی‌اش را طی کند و تمام توان و تکاپوهایش را برای به رسمیت شناخته شدن به کار گیرد. سه‌گانهٔ «زن، زندگی، آزادی» چنان در هم و به هم تنیده شده که اگر تازی

فروافتد، پودهای دیگر نیز فرو می‌پاشد. سه‌گانه‌ای که گرچه به صراحت تمام مطالبهٔ امروز زنان شده، اما تبار تاریخی‌اش را می‌توان در جنبش‌های زنان در تاریخ معاصر ایران از یک قرن و اندی پیش یافت.

زنی که به قدمت خود تاریخ وجود داشته، گاه زن بودنش، گاه زندگی‌اش و همواره آزادی‌اش را به یغما برده‌اند و آن‌ها را در حصارهای تنگ تعاریف برساختهٔ گفتمان مردسالارانه بار دیگر به او بازگردانده‌اند. زن بودن را به ضعیف بودن، ناقص‌العقلی، وسوسه‌گری، شیطان‌وارگی، و همپای دیوانگان و مجرمان و ورشکستگان زینت داده‌اند، و زندگی‌اش را در تعیین رفتارها و هنجارهای خاص در مناسبات دوگانهٔ مرد زبردست - زن زبردست در سپهر خصوصی و دنیای عمومی رقم زده‌اند و آزادی‌اش را در بهترین حالت به حصارهای بلند خانه خلاصه کرده‌اند.

زن، اما در میان همهٔ این محدودیت‌ها، آگاهانه کنش‌گری خویش را در حد امکانات و مقتضیات زمانه‌اش در حوزه‌های ممنوعهٔ سیاست، ادب و فرهنگ و ... پیش برده و فراتر از آن، گفتمان مقاومتی آفریده که به جای مرد در برابر زن، زن را در کنار و همپای مرد در شرایطی برابر خواسته است. سه‌گانهٔ زن، زندگی، آزادی را از این رو باید جنبشی تلقی کرد که با مطالبات زنان شروع شده، و دعوت آن به رسمیت شناختن حقوق همهٔ انسان‌ها است.